

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

بررسی تطبیقی عناصر داستانی

حکایات کوتاه کشف الاسرار و جامع الستین

از:

لیلا باقری دابانلو

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر علی صفایی سنگری

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر علیرضا نیکویی

اسفند ۱۳۹۱

تقديم به :

مفسر حقيقي، حيّ و حاضر قرآن،

يوسف زهراء، مهدي فاطمه

سلام الله عليهما

«سپاس خدای را که قادر بر کمال است و آفریدگار روز و شب و سائست، در ذات هستی بی همتاست
و در صفات و صنع بی مثال است، و درود بر مصطفی که پیشوای امت و اصحاب و آل است»* و سلام بر
اهل بیت پاکش که بهترین و برترین آل است.

* (جامع السنین: ۱)

ابتدا از مادر نازنین و جانم تشکر می کنم و از روح پدرم که امروز مرا ندیده، رفت و آنگاه:
از تمامی اساتید گروه زبان و ادبیات فارسی، که به مهر استادیشان، مرا در مسیر آشنایی با زبان و
اندیشه نیاکانم یاری و راهنمایی نمودند، قدر دانی می نمایم. و سپاس ویژه خود را تقدیم میکنم به
محضر استاد گرامی، دکتر علی صفایی سنگری که کلاس درسشان همیشه زمزمه محبت است
و صبر شریفشان همواره در مسیر تدوین این پایان نامه، چراغی در مسیر و قوتی بردل بود.
و نیز از استاد مشاور پایان نامه، استاد دانشمند جناب آقای دکتر علیرضا نیکویی که بزرگوارانه و
بی دریغ راه تکمیل شدن این تحقیق را بر ابرام گشودند، صمیمانه تشکر میکنم. همچنین از اساتید
همیشه مهربانم، سرکار خانم دکتر مُصلحی و جناب آقای دکتر خزانه دارلو (داوران محترم
پایان نامه) کمال سپاس را دارم.

در پایان از خواهر عزیزم می‌نا، به خاطر زحمات فراوانش در راستای تدوین این پایان نامه،
قدر دانی می نمایم و نیز از همسر خوبم مهدی به خاطر همراهیش ...

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

چ چکیده به فارسی

ح چکیده به انگلیسی

فصل اول : مقدمه و کلیات

۲ ۱-۱- بیان مسئله ، ضرورت و هدف تحقیق

۳ ۲-۱- پیشینه تحقیق

۳ ۳-۱- پرسشهای تحقیق

۳ ۴-۱- فرضیه های تحقیق

۴ ۵-۱- پیش فرض و محدوده تحقیق

۴ ۶-۱- روش تحقیق

۵ ۷-۱- کتاب الستین الجامع للطائف البساتین

۸ ۱۰-۱- کتاب کشف الاسرار و عده الابرار

۱۱ ۱۶-۱- بحثی درباره مینی مالیسم

۱۵ ۲۰-۱- ویژگیهای داستان های مینی مال

فصل دوم: مبانی عناصر داستان

۱۹ ۱-۲- پیرنگ (plot)

۲۰ ۱-۱-۲- ساختمان پیرنگ در داستان

۲۵ ۲-۲- شخصیت (Character)

۲۶ ۱-۲-۲- تقسیم بندی شخصیتها

۲۷ ۱-۲-۲-۱- شخصیت ساده و جامع یا کامل

۲۸ ۲-۲-۲-۱- شخصیت ایستا و پویا

۲۸ ۲-۲-۲- شخصیت پردازی

۲۹ ۳-۲-۲- شخصیت پردازی در داستانهای فارسی ویرانی

۲۹ ۴-۲-۲- ابزارها و عناصرشخصیت پردازی

۳۳ ۳-۲- گفتگو (Dialogue)

۳۴ ۱-۳-۲- گفتگو در حکایت های عرفانی

۳۴ ۲-۳-۲- شیوه های مختلف گفتگو

۳۵ ۳-۳-۲- کارکردهای گفتگو

۳۶ ۴-۲- درونمایه (Theme)

۳۶ ۱-۴-۲- نحوه ارائه درونمایه

۳۷ ۲-۴-۲- تفاوت درونمایه و موضوع

۳۸ ۵-۲- صحنه / مکان و زمان (Setting)
۳۹ ۱-۵-۲- وظایف صحنه
۴۰ ۲-۵-۲- عواملی که صحنه داستان را شکل می دهند
۴۰ ۳-۵-۲- شیوه های صحنه پردازی
۴۱ ۶-۲- لحن (Tone)
۴۲ ۱-۶-۲- تفاوت لحن کلامی و لحن نوشتاری
۴۲ ۲-۶-۲- عوامل ایجاد لحن
۴۳ ۳-۶-۲- نقش و اهمیت لحن
۴۴ ۵-۶-۲- انواع لحن
۴۶ ۷-۲- روایت (Narrative)
۴۶ ۱-۷-۲- ویژگیهای روایت
۴۷ ۲-۷-۲- راوی در داستان
۴۷ ۳-۷-۲- زاویه دید
۴۷ ۴-۷-۲- انواع دیدگاه و زاویه دید
۵۰ ۸-۲- زبان (Language)
۵۰ ۱-۸-۲- سبک (Style)
۵۱ ۲-۸-۲- گروه بندی سبکها
۵۲ ۳-۸-۲- تفاوت سبک و تکنیک

فصل سوم : مبانی عناصر داستانهای مینی مالیستی

۵۴ ۱-۳- پیرنگ
۵۷ ۲-۳- شخصیت
۵۹ ۳-۳- گفتگو
۶۰ ۴-۳- درونمایه
۶۱ ۵-۳- صحنه/زمان و مکان
۶۲ ۶-۳- لحن و فضا
۶۳ ۷-۳- روایت و زاویه دید
۶۴ ۸-۳- ویژگی زبان
۶۴ ۱-۸-۳- سبک

فصل چهارم : بررسی عناصر داستان در حکایات کوتاه جامع الستین

۶۶ ۱-۴- پیرنگ
۷۴ ۲-۴- شخصیت
۸۰ ۶-۲-۴- شخصیت های حکایات جامع الستین از نظر نقش داستانی
۸۱ ۷-۲-۴- شخصیت پردازی
۸۶ ۳-۴- گفتگو در حکایات
۸۶ ۱-۳-۴- کارکرد گفتگو

۸۸ ۳-۳-۴ طرفین گفتگو در حکایات
۹۱ ۴-۴-۴ درون مایه حکایات جامع الستین
۹۱ ۱-۴-۴ درونمایه برگرفته از مفاهیم صوفیانه
۹۶ ۲-۴-۴ درونمایه های فرعی حکایات
۹۷ ۳-۴-۴ درونمایه های برگرفته از مفاهیم عبادی
۹۷ ۴-۴-۴ درونمایه های برگرفته از توصیه های دینی
۹۹ ۵-۴-۴ برخی از درونمایه های صریح حکایات
۱۰۰ ۵-۴-۴ صحنه و صحنه پردازی در حکایات جامع الستین
۱۰۵ ۶-۴-۴ لحن حکایات جامع الستین
۱۰۸ ۳-۶-۴ تغییر لحن در حکایات
۱۱۱ ۷-۴-۴ روایت در حکایات جامع الستین
۱۱۱ ۱-۷-۴ حرکت زمانی در حکایت
۱۱۲ ۲-۷-۴ ابزارهای جامع الستین در روایت
۱۱۳ ۳-۷-۴ انواع زاویه دید در حکایات
۱۱۴ ۴-۷-۴ راوی حکایات جامع الستین
۱۱۶ ۸-۴-۴ سبک زبانی حکایات
۱۱۶ الف- مشخصه های زبانی
۱۱۸ ۳-۸-۴ سطح ادبی
۱۱۸ ۱-۳-۸-۴ ظرافت های بیانی
۱۱۸ ۲-۳-۸-۴ ظرافت های بدیعی
۱۲۰ ۵-۸-۴ ویژگیهای شتاب دهنده در خوانش حکایات
۱۲۱ ۶-۸-۴ ویژگیهای کند کننده زبان حکایت
۱۲۲ ب- خصوصیات اسلوبی و تکنیکی خاص حکایات

فصل پنجم: بررسی عناصر داستان در حکایات کوتاه نوبت سوم کشف الاسرار

۱۲۴ ۱-۵-۱ پیرنگ
۱۳۰ ۲-۵-۲ شخصیت
۱۳۹ ۶-۲-۵ شخصیت های حکایات کشف الاسرار از نظر نقش داستانی
۱۳۹ ۱-۶-۲-۵ شخصیت ایستا و پویا در حکایات
۱۴۰ ۲-۶-۲-۵ شخصیت مخالف
۱۴۱ ۳-۶-۲-۵ شخصیت نوعی یا تیپ
۱۴۱ ۷-۲-۵ شخصیت پردازی در حکایات کوتاه کشف الاسرار
۱۴۱ ۸-۲-۵ شیوه های شخصیت پردازی
۱۴۴ ۳-۵-۳ گفتگو در حکایات نوبت سوم کشف الاسرار
۱۴۵ ۲-۳-۵ انواع گفتگو در حکایات
۱۴۵ ۳-۳-۵ طرفین گفتگو

۱۴۸ ۴-۵- مهمترین موضوعات و درونمایه های برگرفته از آنها در حکایات نوبت سوم کشف الاسرار
۱۵۱ ۴-۵-۸- برخی از درونمایه های صریح حکایات
۱۵۲ ۵-۵- صحنه و صحنه پردازی در حکایات نوبت سوم کشف الاسرار
۱۵۲ ۵-۵-۱- مکان در حکایات
۱۵۵ ۵-۵-۲- زمان در حکایات
۱۵۸ ۵-۶- لحن حکایات نوبت سوم کشف الاسرار
۱۶۰ ۵-۶-۳- تغییر لحن در حکایات
۱۶۲ ۵-۷-۷- روایت در حکایات کوتاه نوبت سوم کشف الاسرار
۱۶۲ ۵-۷-۱- حرکت زمانی در حکایات
۱۶۲ ۵-۷-۲- ابزارهای به کار رفته در روایت حکایات
۱۶۳ ۵-۷-۳- انواع زاویه دید در حکایات
۱۶۵ ۵-۷-۴- راوی حکایات
۱۶۶ ۵-۸-۸- سبک زبانی حکایات نوبت سوم کشف الاسرار و عدّه‌الابرار
۱۶۶ ۵-۸-۱- مشخصه های زبانی شتاب دهنده در خوانش حکایات
۱۶۷ ۵-۸-۲- مشخصه های زبانی کند کننده در خوانش حکایات
۱۷۰ ۵-۸-۳- خصوصیات اسلوبی و تکنیکی خاص حکایات

فصل ششم: مقایسه تطبیقی عناصرداستان حکایات جامع الستین و کشف الاسرار

با داستانهای مینی مال

۱۷۳ ۶-۱- مقایسه عنصر پیرنگ
۱۷۷ ۶-۲- مقایسه عنصر شخصیت
۱۷۹ ۶-۳- مقایسه عنصر گفتگو
۱۸۱ ۶-۴- مقایسه عنصر درونمایه
۱۸۴ ۶-۵- مقایسه عنصر صحنه
۱۸۸ ۶-۶- مقایسه عنصر لحن
۱۹۱ ۶-۷- مقایسه عنصر روایت
۱۹۴ ۶-۸- مقایسه عنصر زبان
۱۹۹ ۶-۸-۵- مقایسه تطبیقی عناصر حکایات جامع الستین، کشف الاسرار و داستان های مینی مال
۲۰۷ نتیجه گیری
۲۰۸ منابع و مأخذ
۲۱۱ پیوست (فهرست عناوین حکایات)

بررسی تطبیقی عناصر داستانی حکایات کوتاه کشف الاسرار و جامع السّنین

لیلا باقری دابانلو

داستان مینی مال نوعی جریان آگاهانه در جهت خلق آثار داستانی است که از واژگان اندک پدید آمده، تا از این طریق، مباحث و مفاهیم عمیق و گاه پیچیده مطرح گردد، کم حرفی از روشن ترین ویژگیهای آن است. این نوع ادبی باید از داستان کوتاه جمع و جور و کوتاه تر باشد و عناصر ضروری اثر را در کمترین و کوتاه ترین شکل آن نگه دارد. در میان تفاسیر قرآن با برداشت های عارفانه، کشف الاسرار و عدّه‌الابرار رشیدالدین ابوالفضل میبیدی و جامع السّنین (تفسیر سوره یوسف) املائی احمد بن محمد زید طوسی که در قرن ششم هجری تألیف شده اند، در راستای بیان مقاصد خود با نقل حکایاتی در قسمت های مختلف کتاب، کلام خود را زینت بخشیده اند. این کتابها علاوه بر داشتن ارزشهای محتوایی، از جهت داستان پردازی حکایات نیز قابل اهمیت و توجه هستند. با این نگاه که این حکایات، داستانهای مینی مال دوره خود بودند، بررسی عناصر داستان، شامل: پیرنگ، شخصیت، گفتگو، درونمایه، صحنه، لحن، روایت و زبان در حکایات کوتاه جامع السّنین، حکایات کوتاه نوبت سوم کشف الاسرار، داستانهای مینی مال و مقایسه آنها با یکدیگر در این پایان نامه، بیانگر این است که ایجاز در زبان و صحنه پردازی، حذف حشو و زوائد، داشتن درونمایه جذاب، محدودیت شخصیت داستان، پیرنگ ساده، از ویژگیهای برجسته حکایات این کتابها است که به نوعی با شگردهای داستان سراییمینی مالیستی عصر جدید مطابقت دارد.

بر این اساس، اینپایان نامه درشش فصل زیر تدوین شده است :

۱- فصل اول : مقدمه و کلیات

۲- فصل دوم : مبانی عناصر داستان

۳- فصل سوم : مبانی عناصر داستانهای مینی مالیستی

۴- فصل چهارم : بررسی عناصر داستان در حکایات کوتاه جامع السّنین

۵- فصل پنجم : بررسی عناصر داستان در حکایات کوتاه نوبت سوم کشف الاسرار

۶- فصل ششم : مقایسه تطبیقی عناصر داستان در حکایات کوتاه جامع السّنین و نوبت سوم کشف الاسرار با داستانهای مینی مال.

کلید واژه: عناصر داستان، مینی مالیسم، حکایات عرفانی، کشف الاسرار، جامع السّنین.

Abstract:

Comparative study of story elements in short anecdotes of Kashf al-'Asrâr and Jami' al-Sitteen

Laila Bagheri Dabanlou

Minimal narrative is a kind of conscious stream to create fiction works that has emerged a few words, up through, deep and sometimes complex topics and concepts to be discussed. Its most obvious feature is the low word. This type of literature should be shorter than short stories and keep essential elements of work in its lowest and shortest form. Among the interpretations of the Quran with mystical impressions, Kashf al-'Asrâr wa 'Uddat al-'Abrâr of Rashid al-Din Abolfazl Maibodi and Jami' al-Sitteen (the Interpretation of Sura Yusof) of Ahmad ben Mohammad Zeyd Tusi, that have been written in the sixth century A.H., In line with their stated purpose, have decorated their words with quote anecdotes in different parts of book. These books are important and significant for the kind of telling anecdotes and have content values. From this perspective that these anecdotes were minimal stories from own period, study the elements of fiction, including: plot, character, dialogue, tone, theme, scene, narrative and language in the short anecdotes of Jami' al-Sitteen and the short anecdotes of third round of Kashf al-'Asrâr and the minimal stories and comparison them with each other in this thesis, states that brevity in language and setting, elimination of redundant and frills, having an attractive theme, character limitation, simple plot, are some of the salient features of the short anecdotes of these books, that is consistent with the new age minimalist storytelling techniques. On this basis, this Thesis is written in six Chapters:

- Chapter one: Introduction and generalities
- Chapter two: Basics of story elements
- Chapter three: Basics of minimalist stories elements
- Chapter four: Study the story elements in short anecdotes of Jami' al-Sitteen
- Chapter five: Study the story elements in short anecdotes of third round of Kashf al-'Asrâr
- Chapter six: Adjustment comparison of story elements in short anecdotes of Jami' al-Sitteen and third round of Kashf al-'Asrâr with minimal stories

Keywords:

story elements, minimalism, Kashf al-'Asrâr , Jami' al-Sitteen, sophist prose.

فصل اول

مقدمه و کلیّات

مقدمه

کتاب الستین الجامع للطائف البساتین

کتاب کشف الاسرار و عدّة الابرار

بحثی درباره مینی مالیسم

مقدمه :

۱-۱- بیان مسئله ، ضرورت و هدف تحقیق :

داستان مینی مال نوعی جریان آگاهانه در جهت خلق آثار داستانی است که از واژگان اندک پدید آمده، تا از این طریق، مباحث و مفاهیم بسیار عمیق و پیچیده مطرح گردد، کم حرفی از روشن ترین ویژگیهای آن است. این گونه ادبی باید از داستان کوتاه جمع و جور و کوتاه تر باشد، عناصر ضروری اثر را در کمترین و کوتاه ترین شکل آن نگه دارد. آفرینش اشعار و آثار ادبی ویژه صوفیان در ادبیات فارسی سبب زیبایی و عمق بیشتر ادبیات ما شده است. صوفیان، حکایات و قصه را در قالب معانی و حکمت های خود قرار داده ، آن را آینه عبرتی برای خوانندگان ساختند. میراث صوفیه شامل بخش های مختلف : سیرت مشایخ، مجموعه مقالات، تذکره های مشایخ، کتب تعلیمی مبادی صوفیه و تفسیرهای عارفانه است . در میان تفاسیر قرآن با برداشت های عارفانه، کشف الاسرار و عدّه‌الابرار رشیدالدین ابوالفضل میبیدی و جامع السّتین (تفسیر سوره یوسف) املائی احمدین محمد زید طوسی را که هر دو در قرن ششم هجری تألیف شده اند می توان نام برد. کتاب کشف الاسرار نگرشی از پشت منشوری سه بعدی به قرآن است که نخست ترجمه تحت الفظی آیات، سپس تفسیر آیات به شیوه عامّه مفسّران و سرانجام تعبیر و تفسیر آن به مذاق اهل عرفان است ؛ جامع الستین نیز در نوع پرداخت و روش تنظیم آن با کشف الاسرار میبیدی همانندی بسیار دارد. مؤلف هر دو کتاب در راستای بیان مقاصد خود با نقل حکایاتی در قسمت های مختلف کتاب ، کلام خود را زینت بخشیده اند. کشف الاسرار و جامع الستین با یک رویکرد و در یک قرن تألیف شده اند و از مهمترین منابع تفسیر عرفانی در ادبیات فارسی هستند؛ در کنار اقبال های نه چندان در خور کشف الاسرار، کتاب جامع الستین همچنان گمنام است و خصوصاً به داستان ها و حکایات این کتاب ها توجهی نشده است. با توجه به این که یکی از راه های شناخت کیفیت یک اثر، کشف عوامل مؤثر در انسجام ساختاری پنهان در آن است، با انتخاب این دو کتاب بر آن شدیم تا با توجه به عناصر داستان و بررسی کارکرد این عناصر در ارتباط هر کدام با مفهوم کلی داستان، عناصر داستانی و کاربرد آن در میان حکایات کوتاه نوبت سوم کشف الاسرار و جامع الستین را بررسی و مقایسه کنیم تا به شگردهای داستان پردازی در قرن ششم بی ببریم. بر این اساس، این پایان نامه با هدف بررسی عناصر داستان در حکایات کوتاه جامع الستین و نیز حکایات کوتاه نوبت سوم کشف الاسرار و مقایسه آنها با داستان های مینی مال در شش فصل زیر تدوین شده است :

۱- فصل اول : مقدمه و کلیات

۲- فصل دوم : مبانی عناصر داستان

۳- فصل سوم : مبانی عناصر داستانهای مینی مالیستی

۴- فصل چهارم : بررسی عناصر داستان در حکایات کوتاه جامع الستین

۵- فصل پنجم : بررسی عناصر داستان در حکایات کوتاه نوبت سوم کشف الاسرار

۶- فصل ششم : مقایسه تطبیقی عناصر داستان در حکایات کوتاه جامع الستین و نوبت سوم کشف الاسرار با داستانهای مینی مال.

۱-۲- پیشینه تحقیق :

نمونه کارهایی که تاکنون در زمینه بررسی عناصر داستانی در حکایات مینی مالیستی سایر کتاب های عرفانی صورت گرفته، عبارتند از: طبقه بندی و تحلیل ساختاری حکایات مینی مالیستی کشف المحجوب (پایان نامه، سهیلا روستا، دانشگاه گیلان؛ ۱۳۸۸) و در حوزه مقایسه عناصر داستان در حکایات کوتاه و داستان های مینی مالیستی: مینی مالیسم و ادب پارسی [بررسی تطبیقی حکایات گلستان با داستان های مینی مالیستی] (مقاله، احمد پارسا، دانشگاه کردستان ؛ ۱۳۸۵) و مقالات شمس و مینی مالیسم (مقاله، برات محمدی، دانشگاه آزاد واحد ارومیه؛ بی تا) نگاشته شده است. پژوهش در زمینه بررسی حکایات کوتاه کشف الاسرار و جامع الستین صورت نگرفته است. در این پایان نامه به بررسی عناصر داستان در حکایات کوتاه نوبت سوم کشف الاسرار و نیز حکایات کوتاه جامع الستین و مقایسه آنها با داستان های مینی مال پرداختیم .

۱-۳- پرسشهای تحقیق :

۱- با توجه به تعریف داستان در دوره معاصر، آیا شباهتی میان حکایات کوتاه نوبت سوم کشف الاسرار و جامع الستین با این گونه ادبی جدید وجود دارد ؟

۲- تا چه میزان مهمترین عناصر داستانی ادبیات معاصر در حکایات عرفانی جامع الستین و کشف الاسرار دیده می شود ؟

۳- عناصر داستانی حکایات کوتاه کشف الاسرار و جامع الستین تا چه میزان با مفهوم کلی داستان در ارتباط اند؟

۴- درون مایه کتاب ها چه تأثیری در ایجاد حکایات کوتاه آنها داشته است ؟

۱-۴- فرضیه های تحقیق : پاسخهای احتمالی به پرسشهای تحقیق ، در آغاز این پژوهش عبارت بودند از :

۱- با توجه به پیشینه کمینه گرایی در ادبیات داستانی ایران و تعریفی که از داستان مینی مال ارائه شد، می توان ردپای شباهت در حکایات کوتاه کشف الاسرار و جامع الستین با داستانهای مینی مالیستی در عصر جدید پیدا نمود .

۲- با این که علل گرایش به مینی مالیسم در دوره معاصر با علل آن در گذشته متفاوت است اما در حکایات کوتاه جامع الستین و کشف الاسرار نیز برخی از ویژگیهای داستانهای مینی مال، مانند: کم حجمی، طرح ساده، محدودیت تعداد شخصیتها، وقایع و صحنه پردازی و... دیده می شود .

۳- با توجه به این که نویسندگان داستان هایی که زمینه عرفانی و اخلاقی دارند، در پی نتیجه هستند نه هنرنمایی ادبی، عناصر داستانی حکایات کوتاه این کتاب ها نیز در خدمت رساندن مفهوم مورد نظر مؤلفان آن ها است .

۴- دو کتاب کشف الاسرار و جامع الستین در زمینه تفسیر عارفانه قرآن تألیف شده اند و مؤلفان آن ها برای شفاف نمودن مطلب مورد نظر خود و در نتیجه برای ملموس سازی کلام خود، با برگزیدن زبان اشارت و اهمیت دادن به اختصار که از سبکهای عرفا در بیان مطالب خویش است، از ابزاری استفاده نموده اند که از اصل مطلب فاصله نگیرند، بنابراین درون مایه این دو کتاب در نگارش این نوع از حکایات (کوتاه) تأثیر داشته است.

۵-۱- پیش فرض و محدوده تحقیق : حکایت های کوتاه جامع الستین (۵۱ حکایت) که در این تحقیق بررسی شدند، از کتاب «الستین الجامع للطائف البساتین» (قصه یوسف) تصحیح محمد روشن و حکایت های کوتاه نوبت سوم کشف الاسرار (۱۷۰ حکایت) نیز که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند، از دوره ده جلدی کتاب « کشف الاسرار و عدّة الابرار » تصحیح علی اصغر حکمت، که کمینه گرایی از اصلی ترین ویژگی آنهاست، انتخاب شده اند. در این حکایات به بررسی عناصر داستان، شامل: پیرنگ، شخصیت، گفتگو، درون مایه، صحنه، لحن و فضا، روایت (دیدگاه)، زبان و سبک پرداختیم. ارجاع به متن و حکایت های کشف الاسرار با (میبدی) و جامع الستین، با (طوسی) مشخص شده و شماره های مربوط به صفحه یا صفحات، در کنار آنها قید شده است. در ارجاع به نام کتابها، نام خلاصه شده «الستین الجامع للطائف البساتین»، یعنی «جامع الستین» و «کشف الاسرار» در برابر «کشف الاسرار و عدّة الابرار» به کار برده شده است.

۶-۱- روش تحقیق : روش تحقیق در این پایان نامه از نوع توصیفی و تحلیلی - تطبیقی است. در گردآوری اطلاعات، از شیوه تحقیق در حوزه کتابخانه ای استفاده شده است.

۱-۷- کتاب «الستین الجامع للطائف البساتین» :

سوره یوسف که طبق فرمایش قرآن، احسن القصص است، مورد توجه برخی از نویسندگان، مفسران و شاعران بوده و آثار گرانقدری درباره آن پدید آمده است. کتاب «الستین الجامع للطائف البساتین» نیز، تفسیر صوفیانه ای است از سوره یوسف که با نثری روان و شیوا و به رنگ عرفانی نگارش یافته است. همان طور که نویسنده در آغاز این کتاب اشاره نموده، این تفسیر از امالی خواجه امام تاج الدین ابوبکر احمد بن زید طوسی است. این کتاب با مقدمه، تصحیح و پاورقی محمد روشن، در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی توسط انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب در یک جلد وزیری در ۷۲۱ صفحه چاپ شده است.

نخستین بار که از جامع الستین سخنی به میان آمد، در ماهنامه یغما، سال اول، شماره ۴، صفحه ۱۶۳ و شماره ۶، صفحه ۲۶۴، بود که در آن سه حکایت با نام (نسخه قدیمی تفسیر سوره یوسف موجود در کتابخانه عمومی روشن) از این تفسیر نقل گردید. اما نسخه همچنان ناشناخته ماند (موسوی مبلّغ، بی تا: ۳).

نخستین کسی که به معرفی دقیق علمی «نسخه خطی تفسیر سوره یوسف (ع)، مجموعه متعلق به کتابخانه ملی رشت» پرداخت، محمد معین بود. ایشان، مشخصات و مختصات آن را در مقاله ای در ماهنامه یغما برشمردند. از آن پس «تفسیر سوره یوسف کتابخانه عمومی رشت»، نسخه ای نامبردار گردید، و گمان می رفت که نسخه ای منحصر به فرد و بی نظیر باشد. بر این اساس، محمد روشن، همان نسخه را اساس کار خود قرار داد و به تصحیح آن پرداخت تا ضمن آراستن آن، به نشر آن بپردازد. وی با یافتن نسخه ای منقح و با تاریخی قدیمی تر از نسخه رشت، در میان عکسهای نسخه هایی که به اهتمام مجتبی مینوی از ترکیه فراهم شده بود، به مقابله این دو نسخه پرداخت (روشن، ۱۳۸۴: ۱۰).

محمد معین در معرفی نسخه خطی کتابخانه عمومی رشت، با برشمردن نکته های دستوری و اختصاصات نگارشی که در آن نسخه از جهتی ویژه و قابل ملاحظه است، آن را متعلق به قرن ششم هجری دانسته اند. نثر روان و بی پیرایه کتاب، و شیوه نگارش و اختصاصاتی که در آن آمده است، چنین حدسی را تأیید می کند. از سوی دیگر، اشارت گونه ای در متن کتاب آمده است که می تواند گویای زمان تقریبی نگارش آن باشد: «ای عجب، پیشینگان معجزات عیان می دیدند، می نگریدند، و مؤمنان بعد از چهار صد سال و پانصد سال خبری بشنیدند بدان بگریدند» (همان).

نوع پرداخت کتاب و روش تنظیم آن نیز با کتاب «کشف الاسرار و عده الابرار» ابوالفضل رشیدالدین میبیدی مشهور به تفسیر خواجه عبدالله انصاری که به سال ۵۲۰ هجری قمری نوشته شده است، همانندی بسیاری دارد (همان: ۱۱).

۱-۸- سبک نگارش :

«الستین الجامع للطائف البساتین» در شصت فصل است و نام کتاب نیز گویای بخشهای شصت گانه است. فصل اول کتاب در سبب نزول سوره یوسف است، فصل دوم و سوم، در فضایل قرآن و قرائت آن و فصل چهارم نیز در فضائل قرآن نگارش یافته است. نویسنده

از فصل پنجم کتاب به سراغ تفسیرسوره رفته و در هر فصل، نخست، آیه ای از سوره یوسف را آورده، سپس از قول شیخ الامام، شأن نزول و متشابهات آن را بیان می کند و به شرح و تفسیر آیه می پردازد و بار دیگر به سراغ قصه یوسف می رود، وقتی باز آیه یا آیاتی از آن را بیان نمود، با آوردن لطیفه، مضامین عارفانه می آفریند. گاهی اشارت و نظیره ای نیز به آن افزوده، در میانه آنها، جای به جای، چند بیت می آورد و در پاره ای موارد، با نقل حکایتی کلام را زینت می دهد. در پایان، فصل را با اشعاری که گاه بسیار سست است، به سرانجام می رساند .

تعدادی از ویژگیهای نثر کتاب عبارتند از :

- از تکرار فعل ها پرهیز نکرده و گاه افعال را تا هشت بار تکرار می نماید .
- گرایش فراوانی به آوردن مترادفات و رعایت سجع و موازنه دارد .
- در ترکیبات اضافی ، تقریباً در سراسر کتاب ، کسره اضافی را به شکل (یا) آورده است .
- فعل امر را با کلمه (می) به کار می برد.
- واژه های جمع عربی را دوباره جمع می بندد ، مانند : « احوالها ، عجایب ها » .
- گاه واژه ها را با تخفیف ذکر می کند .
- گاهی مطلب را در قالب مثال ، بیان می کند .

۱-۹- هویت و شخصیت نویسنده کتاب :

در رابطه با هویت و تاریخ تألیف این کتاب اطلاع دقیقی در دست نیست، چنان که، مصحح کتاب می گوید: « کوشش در راه شناختن تاج الدین احمد بن زید الطوسی بدون سود ماند، از جست و جوی در کتابهای رجال و طبقات مفسران نیز نامی و یادی از وی به دست نیامد » (همان : ۹) . جملاتی در اول کتاب توسط خود مفسر به رشته تحریر در آمده که تا حدی روشنگر زوایای زندگی وی است. از تقریرات یاد شده به دست می آید که: خواجه امام ابوبکر در خراسان می زیسته و چنان که از نسبت وی پیداست، اهل طوس بوده است. وی که دانشمندی واعظ بوده، مدتی را در جبال و عراق سپری کرده و پس از آن به آذربایجان رفته است. بر اساس آنچه در دیباچه کتاب آمده است، وی در همه شهرها محبوب بوده و با اقبال مردم روبرو می شده است، به طوری که از او می خواسته اند که مجموعه ای را خلق کند ولی او فرصت این کار را نداشته است، تا این که بالاخره در آذربایجان، فراغتی و فرصتی یافته و قصه یوسف (الستین الجامع للطائف البساتین) را املا نموده است. وی در اول کتاب، علت انتخاب سوره یوسف را، برای تفسیر و بیان اندیشه خود چنین بیان می کند : « چون این قصه خوشترین قصه ها بود و از قصص گزیده بارخدا یا بود و درو گویندگان را فکرها بود و شنوندگان را عبرتها بود سخن بر ابتداء سورت یوسف بنا کردیم و شصت مجلس موشح بلطایف و ظرایف درو بر کسانی کی اختلاف داشتند املا کردیم تا مبتدیان را عدتی باشد و منتهیان را تذکرتی باشد..... » (طوسی: ۲) . همچنین نویسنده، در اول کتاب، ادعا می کند که تمام

تلاش و فراست خویش را به کار بسته تا کتابش را از آوردن حکایات دروغ و باطل مصون دارد و همه آنچه را که، با قلم شیوای خود
املا نموده ، از استادان ثقه و اهل حدیث و روایت شنیده یا در کتابهای معتبر خوانده است (همان).

۱- ۱۰- کتاب « کشف الاسرار و عدّه الابرار » :

همان گونه که نویسنده کتاب در آغاز آن تصریح نموده، نام این کتاب، « کشف الاسرار و عدّه الابرار » است. این کتاب، یکی از تفاسیر کهن و پرمایه ی اهل سنت است که در قرن ششم به زبان فارسی و با نثری استوار و دلپذیر، آمیخته با اشعار عربی و فارسی نوشته شده است. کشف الاسرار برای اولین بار در سال ۱۳۳۱ هجری شمسی، به اهتمام علی اصغر حکمت شیرازی، در ده جلد و ۶۴۹۷ صفحه در دانشگاه تهران به چاپ رسید. پس از آن، چندین بار توسط انتشارات امیرکبیر تجدید چاپ شد (مرتضایی، ۱۳۸۹: ۴۵).

تفسیر کشف الاسرار مبتنی بر تفسیر بسیار مختصری است که خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱ - ۳۹۶) نوشته و میبیدی به شرح و بسط آن پرداخته است. تفسیر وی از بزرگ ترین کتب تفسیری است که بر طریقه ی عرفانی و مشرب صوفیانه نوشته شده است. شیوه ی نوشتاری آن در بهترین سبک و زیباترین عبارات ادبی مستحکم است. بنابراین از جمله تفاسیر ممتاز ادبی و عرفانی است که به زبان فارسی نگارش یافته است و مورد توجه و مراجعه ادیبان و عارفان قرار گرفته است. میبیدی در اوایل سال ۵۲۰ هجری قمری شروع به نگارش و تحریر تفسیر کرده و معلوم نیست که چه مدت زمانی به کار نوشتن آن سرگرم بوده است (همان: ۴۶-۴۵).

۱- ۱۱- انگیزه تألیف:

میبیدی در آغاز تفسیر، انگیزه خود را در نگارش چنین تفسیر بزرگی این گونه بیان می دارد :

« من تفسیر شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری هروی یگانه ی دوران و گزیده ی روزگاران را که در تفسیر قرآن و کشف معانی آن نگاشته است، بررسی کردم و آن را از جهت عبارت و محتوا و تحقیق و پژوهش، در حدّ اعجاز یافتم؛ جز آن که وی در نهایت ایجاز و غایت اختصار سخن گفته و راه کوتاه نویسی را پیموده و شاید نتواند نیاز دانش پژوهشی را که به دنبال هدایت است برآورد یا تشنه کامی و سوز سینه ی اندیشه ور اهل بصیرت را سیراب کند؛ از این رو برآن شدم تا بال های سخن در آن بگشایم و عنان زبان را در تفصیل آن رها سازم تا از این رهگذر، حقایق تفسیر و لطایف تذکیر را به هم پیوندم و کار را بر کسی که به این فن پرداخته است آسان نمایم » (همان : ۴۸-۴۷).

۱- ۱۲- شیوه ی تنظیم و نگارش کتاب :

میبیدی در این تفسیر، در سه مرحله یا به گفته خودش در سه نوبت به ترجمه، تفسیر و تأویل آیات پرداخته است. در نوبت اول به ترجمه ی لفظی آیات پرداخته، سپس در نوبت دوم به تفسیر همان بخش می پردازد و در ضمن آن، از قرائت، شأن نزول، اخبار و احادیث، مباحث تاریخی، فقهی، کلامی، علوم قرآنی و ادبی به تفصیل سخن می گوید، میبیدی در نوبت دوم به تفسیر عمومی از دیدگاه شرع و اقوال و آرای مفسران توجه نموده است. در حقیقت بخش بزرگی از تفسیر کشف الاسرار به این قسمت اختصاص یافته است، در نوبت دوم کتاب، احادیث جعلی و اسرائیلی و سخنان نادرست بسیاری در میان احادیث نبوی و اقوال صحابه و بزرگان دین، آمده است اما غلبه با احادیث صحیح و سخنان مستند و با مأخذ است، و در نهایت در نوبت سوم، آیات را به روش عارفان و شیوه ی

صوفیان تأویل می‌کند و در اثنای آن، کلمات قصار و سخنان نغز صوفیانی چون بایزید بسطامی، شبلی، جنید بغدادی، ابراهیم ادهم، سفیان ثوری، ذوالنون مصری، عبدالله مبارک، حسن بصری و... را نقل می‌کند، اما بیش از همه، با نثری مسجّع به نقل سخنان خواجه عبدالله انصاری با نثر می‌پردازد و او را با عناوین: پیر طریقت، پیر بزرگ، عالم طریقت، پیر صوفیان، شیخ الاسلام، پیر هرات و... یاد می‌کند. در این قسمت به اشعار عربی و فارسی فراوانی برمی‌خوریم که تفسیر را از حالت یکنواختی بیرون می‌آورد و هنر نویسندگی و ذوق عرفانی میبیدی و تأثر او از خواجه عبدالله انصاری و دیگر عارفان را نشان می‌دهد. در حقیقت می‌توان گفت: روش تفسیری کشف الاسرار در نوبت اول: ترجمه‌ای ادبی و در نوبت دوم: تفسیری نقلی است. و در نوبت سوم: به شیوه‌ی عرفا به تأویل عرفانی برخی از آیات می‌پردازد (همان: ۴۸-۵۰). خود مؤلف در مقدمه چنین می‌گوید: «و شرط ما در این کتاب آنست که مجلسها سازیم بر ولا و در سه نوبت سخن گوئیم: نوبت اول تفسیر ظاهری بر وجهی که هم اشاره به معنی دارد و هم در عبارت غایت ایجاز بود. و دیگر نوبت تفسیر گوئیم الفاظ و معانی و قرائات مشهره و سبب نزول و بیان احکام و ذکر اخبار و آثار و امثال و نوادر که تعلق به آیت دارد و وجوه نظایر و مایجری مجراه. سه دیگر نوبت رموز عارفان و اشاره صوفیان و لطایف و حقایق است به توفیق الهی و تیسیر ربّانی در آن خوض کنیم» (انزایی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۳). میبیدی در ضمن تفسیر آیات قرآن در نوبت دوم و سوم، حکایاتی را نیز روایت نموده است، درونمایه این حکایات نیز منطبق بر بحثی است که در آن بخش به آن پرداخته است. بیشتر حکایات نوبت دوم، اخبار و روایاتی از شخصیت‌های تاریخی است که غالباً هم به گونه‌ای با آیات مورد بحث مرتبط هستند و نویسنده بدون توجه به عناصر داستان به نقل آن‌ها می‌پردازد. اما حکایات نوبت سوم که درونمایه‌های آن تحت تأثیر شیوه تفسیری این بخش هستند و رنگ اخلاقی، مذهبی و عرفانی دارند، روایت داستانهایی است که شخصیت‌های تاریخی نیز در آنها حضور پررنگی دارند.

۱-۱۳- کشف الاسرار در آثار دیگران:

ملا حسین واعظ کاشفی (وفات ۹۱۰ق)، در تفسیر «مواهب علیّه» خود به کرات از کشف الاسرار نقل قول کرده و در بسیاری موارد از کشف الاسرار و ابوالفضل میبیدی نام برده است. در «منهاج الطالبین» و «تفسیر روح البیان اسماعیل حقی برسوی» نیز از کشف الاسرار نقل قولهایی شده است (همان: ۱۳-۱۲).

۱-۱۴- هویت و شخصیت نویسنده:

شناخت مؤلف کشف الاسرار و عده‌الابرار بسیار دیر صورت گرفت. این تفسیر، مدت‌ها در اثر اشتباه حاجی خلیفه در کشف الظنون به سعدالدین تفتازانی نسبت داده می‌شد اما پس از آن، با کوشش محمد معین با نام تفسیر خواجه عبدالله انصاری مورد شناسایی قرار گرفت، تا این که در اثر تلاش و تحقیقات علی اصغر حکمت، معلوم شد که کشف الاسرار متعلق به رشیدالدین ابوالفضل میبیدی است (مرتضایی، ۱۳۸۹: ۴۶). هرچند در هیچ کتابی به زندگی نامه و زمان تولد و درگذشت میبیدی اشاره نشده است اما بر اساس برخی مدارک به دست آمده می‌توان گفت که وی در قرن ششم هجری قمری می‌زیسته است. میبیدی تاریخ نگارش کشف الاسرار را در

دییچه آن، سال ۵۲۰ هجری قمری برشمرده است و در جلد اول و دوم آن عبارت « پس از پانصد سال » و « پس از پانصد و اند سال » و نیز در جلد سوم عبارت « پانصد سال گذشت » را ذکر نموده است، اما چند عبارت راه یافته در کشف الاسرار مانند: « ششصد و اند سال گذشت » و یا جمله: « بنگر پس از هشتصد سال»، که در پایان یکی از نسخه های ترکیه به دست آمده است و یا در همان جلد نخست که نام این جوزی (متولد ۵۰۸ یا ۵۱۱ ق و متوفی به سال ۵۹۷ ق) آمده است، باعث برخی تردیدها شده است که البته ناسازگاری این سه مورد را می توان برخاسته از اشتباه کاتبان و نسخه برداران کشف الاسرار در سده های بعد دانست (مسرت، ۱۳۸۹: ۳۲). پس از به دست آمدن مجلدات و نسخه های مختلف کشف الاسرار، در مقدمه جلد هفتم نسخه مورخ ۷۳۲، افزوده « مهریزد » بر نام مؤلف به صورت: « ابی الفضل احمد بن سعید احمد بن مهریزد»، به دست آمد. ایرج افشار از این افزوده به حلقه های خانواده وی راه یافت. به استنباط ایشان، میبیدی از خاندان « شیخ الاسلام ابی سعید محمد بن مهریزد متوفی در ۴۸۰ » است که شرح حال وی در تواریخ سه گانه یزد (تاریخ جعفری، تاریخ جدید یزد کاتب، و جامع مفیدی تألیف محمد مفید مستوفی) آمده است (انزایی نژاد، ۱۳۸۵: ۱۱). با توجه به مدارکی چون عبارات سنگ قبر برادرش "موفق الدین" (درگذشت ۵۷۰ ق)، دخترش فاطمه (درگذشت ۵۶۲ ق) و دیگر آگاهی های به دست آمده درباره تحصیل و مسافرت وی، می توان حدود تاریخ زندگی او را بین سالهای ۵۵۰ - ۴۵۰ دانست (همان: ۳۳-۳۲).

طبق نظر محمد تقی دانش پژوه و بر مبنای نام های موجود در نسخه های مختلف آثار وی، می توان نام کامل میبیدی را بدین گونه بیان کرد: «امام حافظ، فخرالاسلام رشیدالدین ابوالفضل (ابی فضل)، احمد بن جمال الاسلام ابی سعید (سعد) محمد بن محمود بن مهریزد (مهریزد) بن نوشیروان میبیدی یزدی» که در حال حاضر، غالباً به گونه خلاصه شده آن: «رشیدالدین ابوالفضل میبیدی»، نامیده می شود. میبیدی در میان خاندانی که همه اهل علم و زهد و تقوی بودند پرورش یافت. پدر یا جدش، شیخ الاسلام از بزرگان، صوفیان و عارفان معروف شهر یزد بود. برادر میبیدی نیز عالمی کامل بود. از این رو رشیدالدین در خانواده ای اهل علم و در شهری دارای مدارس معتبر، زندگی نموده است. وی پس از تحصیل در مدارس معتبر نظامیه، به دلیل آوازه مدارس نظامیه هرات که ویژه پیروان مذهب شافعی بود و نیز به دلیل آوازه خواجه عبدالله انصاری، بنیان گذار مکتب عرفانی خراسان، راهی هرات شد (همان: ۳۵-۳۴).

۱- ۱۵- آثار دیگر مؤلف: علاوه بر کشف الاسرار، تا این تاریخ، دو اثر دیگر از این مؤلف شناخته شده است. کتاب «اربعین»، که میبیدی خود در صفحه ۲۱۹، جلد پنجم کشف الاسرار درباره آن می گوید: «... وما شرح آن را در کتاب اربعین، مستوفی گفته ایم، کسی که این بیان خواهد از آنجا طلب کند»، کتاب دیگر میبیدی، «کتاب الفصوص» است. این کتاب از آثار فصّالی (نوعی از ادبیات شفاهی و جزئی از آداب و رسوم دوره رفاه و تجمل پیش از مغول که در آن فصّالان به گونه ای مجالس بزرگان زمان را رونق و اعتبار می بخشیدند) است و محمد تقی دانش پژوه آن را با عنوان «فصول رشید الدین ابوالفضل میبیدی» در «فرهنگ ایران زمین» دوره ۱۶، ضمن صفحات ۴۴-۸۹ چاپ نموده است (انزایی نژاد، ۱۳۸۵: ۱۱).